

Re-identifying Women in Ferdowsi's Shahnameh and Kushnameh

Mumtaz Haidari¹, Fatemeh Hajirahimi²

1. Department of Persian Language and Literature, Al-Mustafa Open University, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.

2. Department of Persian Language and Literature, Al-Mustafa Open University, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.

Abstract

Female identity refers to an individual's personal perception of themselves as women, which can be consistent with or different from their biological sex at birth. This identity is formed based on the individual's perceptions, feelings, and experiences about being a woman and can include different aspects such as roles, behaviors, values, and characteristics related to women. During the emergence of literature and the creation of their literary works and masterpieces, the masters of Persian literature and poetry have spoken loudly in describing women, praising their love and beauty, and appreciating their high position, and have called women the preservers of ethnic and racial identity and values. Two of these great poets are Ferdowsi and Iranshah ibn Abi al-Khair. The purpose of this research is to conduct a comparative study of recognizing women's identity in Shahnameh and Kushnameh. This study attempted to shed light on various manifestations of women's identity in mythological, heroic, and historical periods by analyzing the different roles and influences of women in these two works. In this study, first, a brief look at the definition of epic and the position of epic texts in Persian literature is given, then a brief introduction of Shahnameh and Kushnameh and the position of women in these works is given; finally, an analysis of the characteristics and duties of women in these two epics is presented.

Keywords: Women's Identity, Ferdowsi, Shahnameh, Koushnameh, Iranshah.

¹ Email: mumtaz.haidari@gmail.com

² Email: f.hajirahimi@mou.ir.

بازشناسایی هویت زنان در شاهنامه فردوسی و کوش نامه

ممتاز حیدری^۱، فاطمه حاجی رحیمی^۲

۱. گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه مجازی المصطفی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۲. گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه مجازی المصطفی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

چکیده

هویت زنانه به معنای برداشت شخصی یک فرد از خود به عنوان زن است، که می تواند با جنسیت بیولوژیکی او در هنگام تولد همسو یا متفاوت باشد. این هویت براساس تصورات، احساسات و تجربیات فرد درباره زن بودن شکل می گیرد و می تواند شامل جنبه هایی متفاوت مانند نقش ها، رفتارها، ارزش ها و ویژگی های مربوط به زنان باشد. اربابان ادب و شعر فارسی در طول پیدایش ادبیات و خلق آثار و شاهکارهای ادبی شان در وصف زن، ستایش عشق و زیبایی هایش و قدردانی از مقام شامخ او سخنان بلندی گفته اند و زن را حافظ هویت و ارزش های قومی و نژادی یاد کرده اند. دو تن از این شاعران بزرگ فردوسی و ایرانشاه بن ابی الخیر هستند. هدف از انجام این پژوهش، بررسی تطبیقی بازشناساندن هویت زنان در شاهنامه و کوش نامه است. در این مطالعه تلاش شد تا با تحلیل نقش ها و تأثیرگذاری های متفاوت زنان در این دو اثر، جلوه های متنوعی از هویت زنان در مقاطع اساطیری، پهلوانی و تاریخی روشن گردد. در این پژوهش، ابتدا نگاهی گذرا به تعریف حماسه و جایگاه متون حماسی در ادبیات فارسی شده است، سپس به معرفی مختصر شاهنامه و کوش نامه و جایگاه زنان در این آثار پرداخته است؛ در فرجام، تحلیلی از ویژگی ها و وظایف زنان در این دو حماسه ارائه شده است. نتایج این تحقیق نشان می دهند که نقش زنان در این حماسه ها نه تنها به عنوان شخصیت های حاشیه ای بلکه به عنوان عوامل تأثیرگذار در پیشبرد داستان ها و ساختارهای اجتماعی و سیاسی آن ها مطرح است.

کلمات کلیدی: هویت زنان، فردوسی، شاهنامه، کوش نامه، ایرانشاه.

¹ Email: mumtaz.haidari@gmail.com

² Email: f.hajirahimi@mou.ir

۱. مقدمه

اربابان ادب و شعر فارسی در طول پیدایش ادبیات و خلق آثار و شاهکارهای ادبی‌شان در وصف زن و ستایش عشق و زیبایی‌هایش و قدردانی از مقام شامخ او (با بردن نام‌های‌شان) سخنان بلندی گفته‌اند و زن را حافظ هویت و ارزش‌های قومی و نژادی یاد کرده‌اند. زن در ادبیات فارسی رسالت‌های چندگانه‌ای را بر عهده دارد؛ گاه همسری وفادار است و گاه مادری فداکار و مری تربیتی خانواده؛ گاه مظهر پارسیایی و توکل است؛ زمانی مظهر زهد و پرهیزگاری و گاه مظهر خردمندی و سیاستمداری و میهن پرستی است. واژه زن در آثار فردوسی سعدی، مولوی، حافظ، عطار و سنایی و جامی اشتراک لفظی دارد ولی نوع تلقی و حضور و جلوه‌های آن متفاوت است.

چهره‌هایی که فردوسی از زنان در شاهنامه مطرح کرده است، نشان می‌دهد که زنان، بهترین و سرآمدترین کسانی هستند که می‌توانند الگوی بشریت باشند، از آن جمله گردآفرید، سودابه، ته‌مین و منیژه از شخصیت‌های کامل و عاری از نقص در شاهنامه هستند. همچنین است فرانک، همسر آبتین که پسرش فریدون سرانجام بر اثر راهنمایی‌های مادرش و به یاری مردم بر ضحاک پیروز می‌شود؛ «سیندخت» که هوشمندترین شخصیت شاهنامه است، زنی که نه تنها در مقام مادر و همسر که در روابط اجتماعی و سیاسی نیز سفیری موفق است که با نرمی و ژرف‌نگری همسرش را قانع می‌کند که از کشتن او و دخترش حاصلی به دست نخواهد آمد و داستان‌های ته‌مین و سهراب، فرود و مادرش، جریره، زن سیاوش و آرزو، رودابه، سودابه و آزاده و...

در کوش‌نامه، مانند سایر آثار حماسی، شخصیت‌های زن وجود دارند که نقش‌های مختلفی را ایفا می‌کنند. یکی از مسائل قابل تأمل در این منظومه جایگاه وضعیت زنان است زیرا بر خورد کوش، قهرمان غیرایرانی این حماسه، برخلاف سایر آثار حماسی با زنان بسیار ظالمانه و وحشیانه است؛ به نظر می‌رسد این مسأله ریشه در دوران کودکی کوش داشته باشد؛ زیرا به محض تولد کوش، پدرش به دلیل زشت رویی او، مادرش را می‌کشد و کوش را طرد می‌کند. زشتی ظاهری و بدبینی کوش بعدها سبب افراط و تفریط در هوسرانی و اظهار علاقه و عشق به زنان می‌شود. در مقابل قهرمانان ایرانی منظومه به دلیل پرورش در دامان محبت خانواده در نقش فرزندان و همسران رفتاری بسیار انسانی و خردمندانه با زنان دارند. با این حال، زنان در کوش‌نامه در مقایسه با بسیاری از آثار کلاسیک فارسی بیشتر در زمینه‌های عقلانی، اجتماعی و حماسی مورد توجه قرار گرفته‌اند تا نقش‌های صرفاً عاطفی و شخصیت‌های ساده. در کوش‌نامه، شاهد آن هستیم که زنان به‌عنوان کارگزاران هوشمند در بسیاری از امور جامعه عمل می‌کنند و توانمندی‌های خود را در رسیدن به اهداف انسانی و دنیوی نشان می‌دهند.

۲. بحث و بررسی

۲-۱. هویت زنانه

هویت زنانه^۱ به معنای برداشت شخصی یک فرد از خود به عنوان زن است، که می تواند با جنسیت بیولوژیکی او در هنگام تولد همسو یا متفاوت باشد. این هویت براساس تصورات، احساسات و تجربیات فرد درباره زن بودن شکل می گیرد و می تواند شامل جنبه هایی متفاوت مانند نقش ها، رفتارها، ارزش ها و ویژگی های مربوط به زنان باشد. در تاریخ ملی ما زنان همواره جایگاه ویژه و منحصر به فردی داشته اند و می توانستند با نام های خود در عرصه های مختلف از جمله دینی، سیاسی، میدان های جنگ، فعالیت های ادبی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و غیره عرض اندام کنند و نام خود را به شهرت جهانی و تاریخی برسانند.

۲-۲. ارتباط ادبیات و هویت زنانه

ادبیات نقش مهمی در شکل گیری و بازآفرینی هویت زنانه ایفا می کند. آثار ادبی می توانند به عنوان منعکس کننده های تصورات، انتظارات و تجربه های زنان در جوامع مختلف عمل کنند. در عین حال، ادبیات می تواند ابزاری برای تغییر تصورات و انتظارات نادرست در مورد زنان و برای ارتقای هویت زنانه استفاده شود.

به طور کلی، هویت زنانه در تاریخ و ادبیات یک مفهوم پویا و پیچیده است که به شدت تحت تأثیر عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی قرار دارد. ادبیات می تواند در جایگاه ابزاری قدرتمند برای بازآفرینی، ارتقا و تغییر هویت زنانه استفاده شود. هویت زنانه در طول تاریخ و ادبیات یک مفهوم پیچیده و چندوجهی است که به شدت تحت تأثیر عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی قرار گرفته است. در ادبیات، زنان غالباً به عنوان نقش های تکراری، زیردست یا تضادهای مردان نشان داده شده اند، اما در عین حال، به عنوان قهرمانان، مبارزان و خالقان نیز مطرح شده اند. در تاریخ، هویت زنانه از طریق نقش های مختلف در جامعه، از جمله مادر، همسر، کارگر و فعال اجتماعی، شکل گرفته است.

۳. هویت زنان در آثار حماسی

در تاریخ ملی ما زنان همواره جایگاه ویژه و منحصر به فردی داشته اند و می توانستند با نام های خود در عرصه های مختلف از جمله دینی، سیاسی، میدان های جنگ، فعالیت های ادبی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و غیره عرض اندام کنند و نام خود را به شهرت جهانی و تاریخی برسانند. حماسه سرایان مشهور نیز در طول خلق آثار و شاهکارهای ادبی شان در وصف زن، ستایش عشق و زیبایی هایش و قدردانی از مقام شامخ ایشان سخنان بلندی گفته اند و زن را حافظ هویت و ارزش های قومی و نژادی یاد کرده اند.

¹ Feminine identity.

زن در حماسه ایران خویشکاری‌های چندگانه‌ای را بر عهده دارد؛ گاه همسری وفادار است و گاه مادری فداکار و مری تربیتی خانواده؛ گاه مظهر پارسایی و توکل است؛ زمانی مظهر زهد و پرهیزگاری و گاه مظهر خردمندی و سیاستمداری و میهن‌پرستی است. چهره‌هایی که فردوسی و ایرانشاه از زنان در آثار خود مطرح کرده‌اند، نشان می‌دهد که زنان، بهترین و سرآمدترین کسانی هستند که می‌توانند الگوی بشریت باشند.

۱-۳. جایگاه هویت زنان نامدار و تأثیرگذار در شاهنامه

زنان در داستان‌های شاهنامه کمتر نقش‌های اصلی را بر عهده دارند. زنان عمدتاً نقش‌های مکمل مردان را ایفا می‌کنند؛ حال به‌عنوان همسر شاه، شاهزاده، مادر شاهان و پهلوانان یا نقش‌های فرعی‌تر. در داستان‌های عشقی شاهنامه بین نقش زنان و مردان برابری بیشتری پیدا می‌شود. تأثیرگذاری هر یک از زنان شاهنامه، در روند داستان‌هایی که در آنها نقش دارند، هیچ ربطی به نوع نقش آنها ندارد؛ ممکن است زنی نقش دون پایه‌ای مثل کنیزی داشته باشد؛ ولی اثرگذاری او در داستان انکار نشدنی باشد. نقش‌هایی را که زنان شاهنامه در داستان‌ها ایفا می‌کنند، می‌توان به چند دسته تقسیم کرد که در ذیل آمده است. اکثر این نقش‌ها پیرامون و درون دربار شکل می‌گیرند که مربوط به فضای شاهنامه است.

۲-۳. نقش کلی زنان در شاهنامه

۱-۲-۳. زنان خردمند و مشاور

زنان در شاهنامه گاه نقش راهنما و خردمند دارند. شخصیت‌هایی مثل رودابه و فرنگیس با خرد و تدبیرشان بر روند داستان‌ها تأثیر می‌گذارند. تحلیل: این نقش نشان‌دهنده احترامی است که فردوسی برای هوش و تدبیر زنان قائل بوده است.

۲-۲-۳. زنان عاشق و وفادار

عشق در شاهنامه، پایه بسیاری از روایت‌ها است. تهمینه با عشق و فداکاری‌اش نمونه‌ای از زنی است که زندگی خود را به قهرمان داستان، یعنی رستم، پیوند می‌دهد. تحلیل: فردوسی عشق را امری انسانی و فراتر از جنسیت می‌داند.

۳-۲-۳. زنان مقتدر و قدرتمند

شخصیت‌هایی مثل گردآفرید نقش قهرمانی نیز ایفا می‌کنند و وارد عرصه نبرد می‌شوند. این امر نشان‌دهنده اهمیت حضور زنان حتی در میدان‌های نظامی است. تحلیل: فردوسی بر نقش زنان در تمام عرصه‌های زندگی تأکید دارد.

۴-۲-۳. زنان آسیب‌پذیر

برخی شخصیت‌های زن در شاهنامه نیز دچار آسیب‌های اجتماعی و فردی می‌شوند که بیانگر محدودیت‌ها و تبعیض‌های موجود در جامعه است.

۳-۳. جایگاه هویت زنان نامدار و تأثیرگذار در کوش‌نامه

شخصیت پردازی عموم زنان در کوش‌نامه مشابه هم است؛ از جمله دو همسر آبتین، همسر کوش و دختران کوش پیل دندان. دو دختر کوش پیل دندان که از تسلیم کردن خود به پدر امتناع می‌ورزند با ویژگی‌هایی متمایز از دیگران ظاهر می‌شوند؛ اما درباره همه این زنان از جمله همسر دوم آبتین، فرارنگ، که دختر طیه‌ور شاه است اکثر توصیفات، ظاهری است، که اتفاقاً منجر به تشبیهات بدیع و نو در منظومه شده است. البته می‌توان دلیل این تشبیهات را از این روی دانست که همگی زنان در کوش‌نامه ایرانی نژاد نیستند، همسر کوش، دختری از قبیله پیل‌گوشان در خاور زمین است، همسر آبتین، دختر طیه‌ور، شاه ماچین و دختران کوش پیل دندان چینی هستند. این احتمال وجود دارد که سراینده در زمان سرایش کوش‌نامه بنا بر تصورات و تعاریف بازرگانان یا آنچه در کتب دیگر در باب خاور دور تحقیق کرده یا شنیده است، و با توجه به دوری مسافت که این سرزمین‌ها را بیش از پیش دست نیافتنی می‌یافت در تشبیهات خود از منظومه‌های پیش از کوش‌نامه فراتر رفته است.

۴-۳. نقش کلی زنان در کوش‌نامه

۱-۴-۳. زنان نمادین و آرمانی

در کوش‌نامه، شخصیت‌های زن بیشتر به عنوان مظهر زیبایی یا الهامات آرمانی معرفی می‌شوند. تحلیل: این نقش بیشتر جنبه نمادین دارد و کمتر به تحلیل عمیق روان‌شناختی شخصیت‌ها پرداخته شده است.

۲-۴-۳. زنان در چارچوب خانواده

شخصیت‌های زن در کوش‌نامه اغلب به نقش‌های خانوادگی و همسری محدود شده‌اند. مثلاً فرانک یکی شخصیت‌های محوری در کوش‌نامه است. نخستین زن در تاریخ اساطیری ایران که با خردمندی و دوراندیشی به فرمانروایی فریدون کمک می‌کند و یکی از تأثیرگذارترین زنان در دوره اساطیری شاهنامه و کوش‌نامه در نخستین مرحله از شکل‌گیری جامعه ایرانی است. هر چند در شاهنامه سخن و ردپایی از خاندان و زادگاه او نیست اما در کوش‌نامه دختر پادشاه کشور شیلا در کره جنوبی امروزی است که با آبتین ازدواج می‌کند. در شاهنامه، مادر فریدون و همسر آبتین است. فرانک و آبتین احتمالاً در دهکده‌ای در ایران زمین به دور از دسترسی مأموران ضحاک با دامداری و

شکار زندگی می‌نمود. آبتین عاقبت به دست کارگزاران حکومت گرفتار و مغزش خوراک مارهای ضحاک شد. (ایران‌شاه، ۱۳۷۷: ۲۲۲-۲۲۳)

۳-۴-۳. زنان مطیع و وابسته

برخلاف شاهنامه، زنان در کوش‌نامه اغلب وابستگی بیشتری به قهرمانان مرد دارند و شخصیت مستقل چندانی از خود بروز نمی‌دهند. تحلیل: این موضوع می‌تواند بازتاب واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی زمان نگارش این اثر باشد.

۳-۴-۴. زنان با نقش‌هایی همچون مشاور یا همراه جنگجو

در کوش‌نامه، شخصیت "حکیمه" نمونه‌ای از زنانی است که مانند یک مشاور با مردان خردمند و دلاور در ارتباط است. او با عقل و دانایی‌اش نقش مشاوره را بر عهده دارد و شخصیتش به وضوح نشان‌دهنده نقشی عقلانی و استراتژیک است. مشابه با دیگر آثار حماسی، زنان کوش‌نامه نیز گاه در نقش جنگجو و دلاور ظاهر می‌شوند. یکی از نمونه‌های معروف در این زمینه "شاه‌زنان" هستند که همچون مردان در میدان جنگ حضور دارند و تا پای جان برای اهدافشان مبارزه می‌کنند.

۳-۴-۵. نقش زنان در تحلیل مسائل اجتماعی و فرهنگی

در کوش‌نامه، نقش زن فراتر از بعد خانوادگی می‌رود و به جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی نیز توجه زیادی می‌شود. زنان در این اثر آینه مشکلات اجتماعی دوران خود هستند و از نظر عقلی، اجتماعی و فرهنگی در مواجهه با بحران‌ها و مسائل تاریخی قرار می‌گیرند.

به‌طور کلی، تصویر زنان در کوش‌نامه بیشتر متوجه شجاعت و ایستادگی در برابر مشکلات اجتماعی و زمانی است که زنان به‌عنوان پیشگام در جستجو و گسترش فکر و خرد شناخته می‌شوند. برای تحلیل بیشتر می‌توان از زنانی خاص و مشهور در کوش‌نامه نام برد که تأثیرات عمده‌ای در داستان‌ها دارند. این شخصیت‌ها یا مشاورانی خردمندند که راه‌حل‌هایی انسانی ارائه می‌دهند یا نقش‌های استعاری دارند که چهره زیبایی از زن را در صحنه‌های فرهنگی و اجتماعی نشان می‌دهند.

۳-۴-۶. ارتباط بین زنان و مسائل اجتماعی و سیاسی در کوش‌نامه

یکی از جوانب بسیار مهم در نقش زنان کوش‌نامه، تحلیل موقعیت اجتماعی زنان در درگیری‌ها و بحران‌های موجود است. در کوش‌نامه، زن‌ها نه تنها در خانه و محیط خانوادگی بلکه در تحلیل و بررسی پیامدهای اجتماعی-سیاسی و زندگی ملل نیز نقش دارند. گاه آنها براساس تحلیل‌اتشان به

پیشنهادات مهم رسیده و گام‌هایی بسیار سودمند برداشته‌اند. از این‌رو، در کوشش‌نامه حضور زنان نشانی از سیاست‌گذاری‌ها و اراده‌ی قوی در ساخت اجتماع به شمار می‌رود.

۵-۳. تحلیل شخصیت زنان شاهنامه

نویسندگان، شخصیت داستان را به دو روش «مستقیم» و «غیرمستقیم» بیان می‌کنند. «در معرفی مستقیم، نویسنده صریح شخصیت داستان را معرفی می‌کند. در معرفی غیرمستقیم، نویسنده با عمل داستانی شخصیت را معرفی می‌کند. فردوسی به هر دو روش شخصیت‌هایش را معرفی می‌کند. معرفی غیرمستقیم درست‌تر و دقیق‌تر بیان‌کننده شخصیت یک فرد خواهد بود؛ زیرا در یک اثر دراماتیک، برای معرفی شخصیت، به توصیف احوال و خصوصیات اخلاقی او نمی‌پردازند بلکه موقعیتی فراهم می‌آورند؛ یعنی داستانی می‌سازند تا شخص بازی به اقتضای خلق و خوی خود، در بررسی شخصیت‌های زنان بر اساس عمل داستانی‌شان صورت گرفته نه آنچه که حکیم طوس در توصیف آنها بیان داشته است.» (علی‌نقی، ۱۳۹۰: ۶۴)

زنان شاهنامه دارای شخصیت‌های متنوع و گوناگونی هستند. «توصیف‌ها و تصویرسازی‌های فردوسی از شخصیت‌های شاهنامه به گونه‌ای است که با مقایسه آنها و نظریه‌های شخصیت‌شناسی، می‌توان به نوع شخصیت روانشناختی ایشان پی برد» (همان: ۶۸) از این منظر در شاهنامه هیچ‌گاه با زنانی روبه‌رو نمی‌شویم که تنها ویژگی‌های شخصیتی منفی داشته باشند و در اکثر مواقع ویژگی‌ها و خصایص نیک و بد در زنان شاهنامه درهم تنیده است. گاهی به زنانی بر می‌خوریم که دارای ویژگی‌های مثبت و نیک هستند و خصلت‌ها و منش‌های زشت و منفی در آنها دیده نمی‌شود. برخی زنان دارای شخصیت‌های پیچیده‌ای هستند که در هر داستان، بنا بر روند آن داستان و نیز ویژگی‌های شخصیت خود آنها، به شکل‌های گوناگونی بروز می‌یابد؛ گاه مثبت و گاه منفی.

«فردوسی در جای جای شاهنامه از دلاوری، هوشیاری، خرد و درایت زنان سخن گفته است و آنان را وارد اجتماع نموده و منزلتی والا به ایشان بخشیده است. زنان همچون مردان در دورانداشی، پارسایی و تیزهوشی مورد ستایش قرار می‌گیرند.» (بصاری، ۱۳۵۰: ۵) این نشان از بزرگی و عظمتی است که فردوسی برای زنان قائل است. در این مورد سیندخت همسر مهراب کابلی، مادر رودابه را مثال می‌زند که با رازینی و تدبیر خود از جنگ خونین جلوگیری کرد و مهراب کابلی را متقاعد کرد که به ازدواج زال و رودابه رضایت دهد.

سخن‌ها چو بشنید ازو پهلوان زنی دید با رای و روشن روان
(فردوسی، ۱۳۸۶، ۱: ۲۵۴)

۶-۳. نقش کلی زنان در شاهنامه

تئودور نولدکه^۱، مستشرق و شاهنامه شناس معروف آلمانی، دربارهٔ مقام زن در شاهنامه می‌نویسد: «در شاهنامه زنان نقش فعالی ندارند؛ تنها زمانی ظاهر می‌شوند که هوس یا عشقی در میان باشد.» (نولدکه، ۱۳۸۴: ۱۱۵) البته این گفته پذیرفتنی نیست؛ زیرا نقش زنان در شاهنامه پیچیده‌تر از آن است که در یک جمله خلاصه شود. اگر بگوییم زنان هیچ نقشی در داستان‌های شاهنامه ایفا نمی‌کنند یا حتی بگوییم نقش مهمی ایفا نمی‌کنند، در حق زنان شاهنامه اجحاف کرده‌ایم. «در هیچ داستانی از شاهنامه نمی‌توان مدعی شد که داستان بدون نقش و تأثیر و حضور زن پایان پذیرد» (اکبری، ۱۳۸۰: ۶۲)؛ این جمله نیز کمی اغراق آمیز است؛ زیرا در برخی داستان‌های شاهنامه اصلاً زن حضور ندارد و در برخی دیگر که حضور دارد، ممکن است نقش مؤثری نداشته باشد.

تمام نقش‌هایی که زنان در شاهنامه ایفا می‌کنند دارای وزن و بسامد یکسان نیستند. اگرچه در هر داستان، اثرگذاری، شخصیت و حضور زنان با هم متفاوت است و گاه این حضور و تأثیر کم و گاه زیاد می‌شود؛ ولی هیچ‌گاه نمی‌توان گفت زنان هیچ نقشی در داستان‌های شاهنامه ندارند؛ تنها می‌توان گفت در برخی داستان‌ها، نقش و تأثیر کمتری در روند داستان می‌گذارند و در برخی دیگر، پررنگ‌تر و مؤثرتر به ایفای نقش می‌پردازند. زینب یزدانی نقش زن شاهنامه را فاعلانه می‌داند: «در میان ادبیات منظوم گذشته، شاهنامه تنها کتابی است که زن نقش اساسی و فاعلانه در آن ایفا می‌کند. در شاهنامه زندگی زنانی را می‌خوانیم که تأثیر شگرف و عجیبی در ایجاد بعضی از وقایع و حوادث دارند.» (یزدانی، ۱۳۷۸: ۵۰) برخی دیگر نیز آن را تأیید می‌کنند: «نخستین امتیازی که از رهگذر استقلال عملکرد و اتصاف و خردمندی برای شخصیت‌های زن در شاهنامه به دست می‌آید، قرار گرفتن در کانون حوادث و ایفای نقش‌های تعیین‌کننده و سرنوشت ساز است.» (عباسی، قبادی، ۱۳۸۹: ۱۲۷)

نکتهٔ درخور توجه در جلب داستان‌های زن در شاهنامه اینست که زنان شاهنامه نقش‌های متفاوتی را می‌پذیرند همچنان که «تنوع و تعدد نقش آفرینی زن در شاهنامه به گونه‌ای است که تقریباً بیشتر نقش‌های زنانهٔ ممکن در یک اجتماعی کهن را در بر می‌گیرد.» (همان: ۱۳۰)

در ادامه به برخی از مهم‌ترین خصایص رفتاری و کرداری زنان بزرگ شاهنامه می‌پردازیم:

¹ Theodor Noeldeke.

۱-۶-۳. وفاداری

زن به عنوان موجودی وفادار و فداکار معرفی شده است به گونه‌ای که در موارد زیادی وجود خود را فدای مردان می‌کند تا از آنان حفاظت نماید؛ با این که اکثراً از کشورهای دیگر هستند، همه جا نسبت به همسران خود وفادار و مهربان‌اند. در اینجا می‌توان از جریره، مادر فرود، نام برد که فرود را آگاهی می‌دهد که از تبار ایرانیان است و برادر شاه کیخسرو است.

جریره زنی بود مام فرود زبهر سیاوش دلش پر زدود
(فردوسی، ۱۳۸۶، ۳: ۳۶۴)

این وفاداری جریره نسبت به سیاوش تا جایی ست که حتی فرود را از جنگ با ایران بر حذر می‌دارد. زمانی که فرود به مادر خبر آمدن لشکر ایران را می‌دهد:

بر مادر آمد فرود جوان چنین گف کای مام روشن روان
از ایران سپاه آمد و پیل و کوس به پیش سپه در، مباد نیاز
جریره بدو گفت کای رزمساز بدین روز هرگز مبادت نیاز
به ایران برادرت شاه نوست جهاندار و بیدار کیخسروست
(همان: ۳۶۷)

«نمود وفاداری بیش از حد است که برخی تصور نموده‌اند، فردوسی می‌خواهد بین زن و مرد فاصله اندازد و بی‌عدالتی کند؛ زنان را اسیر و دست‌نشانده مردان قرار دهد و در نتیجه حقوق حقیقی آنان را پایمال نماید.» (رنجبر، ۱۳۷۹: ۱۶۸)

۲-۶-۳. حیا و شرم

یکی از صفاتی که فردوسی از زن ایرانی نقل می‌کند شرم و حیا است:

چنین داد پاسخ که زن را که شرم نباشد به گیتی، نه آوار نرم
(فردوسی، ۱۳۸۶، ۷: ۵۷)

۷-۳. ویژگی‌های شخصیتی و نمادین زنان شاهنامه

امروزه نگرستن به زندگی زنان در جامعه یکی از معیارهای سنجش جامعه مدنی و غیر آن است. پس تلاش وجود دارد تا این مساله را به اثبات برسانند که زنان در تاریخ گذشته ما و در روزگار خود

دارای جایگاه خاصی بوده‌اند. زیرا درصددند نشان بدهند که مردمانی که پیش از ما در این سرزمین می‌زیسته‌اند در چه سطحی از تمدن قرار داشته‌اند.

به گمان ما که این جنس مادینه انسان یکجا و موازی با مرد خویش از فراسوی تاریخ تا روزگار ما گام به گام به پیش آمده است. تاریخ او تاریخ همه بشریت است. هدف ما نیز از پرداختن به مسائل زنان و تحقیق در تاریخ، اسطوره و افسانه، همین است که بدانیم در این امر، زن چه نقشی ایفا کرده و با او چه گونه برخوردی صورت گرفته است؟

شاهنامه مهم‌ترین اثری است که چگونگی زندگی زنان در آن انعکاس گسترده دارد. خواننده شاهنامه با درک و فهم مسائل گوناگون؛ چون حکومت‌داری، مرزبانی و دفاع از میهن، آبادانی، کشت، بذر، جنگ و صلح و باز مسأله زنان، برخورد با آنان و نقش آنان در جامعه، احساس غرور می‌کند. خواننده شاهنامه بدین باور می‌رسد که گذشتگان او مردمانی متمدّن بوده‌اند و او نیز استحقاق زندگی بهتر را در کنار ملل متمدن دنیا دارد.

۱-۷-۳. معرفی زنان نامدار در شاهنامه

در شاهنامه از چهل و یک زن نام برده شده است و در ۳۵ مورد دیگر از زنانی بدون ذکر نام یادآوری شده است. زنان مشهوری که در شاهنامه از آنان نام برده شده عبارتند از: سیندخت، رودابه، سودابه، تهمینه، گردآفرید، منیژه، فرنگیس، جریره، آذرگشسپ، کتایون، همای، به آفرید، روشنک، قیدافه، گردیه، همای، ناهید، مریم، سپینود، شیرین، پوران دخت و آذر میدخت. از این جمله رودابه، تهمینه، جریره و کتایون مادر بزرگترین و نام‌آورترین پهلوانان شاهنامه چون رستم، سهراب، فرود و اسفندیار هستند. شاهنامه در حقیقت یک تابلوی حقیقی از چگونگی زندگی زنان را در اعصار قدیم ترسیم می‌کند. زنان در قدیم‌ترین دوره‌های سرزمین ما همسر مردان و ناموس آنان‌اند، جنگ‌ها و درگیری‌هایی به‌خاطر زنان اتفاق می‌افتد. واژه زن ۲۶۷ بار در شاهنامه به کار رفته است.

مقایسه تفصیلی:

جدول شماره (۱)

i. کوش‌نامه	ii. شاهنامه	iii. موضوع
iv. زنان منفعل و دنباله‌رو	v. زنان تصمیم‌گیر و مدبر	vi. نقش خردمندانه

vii. عشق‌های نمادین و ساده	viii. عشق‌های واقعی و انسانی	ix. عشق و وفاداری
x. نقش‌های خانگی	xi. زنان مبارز و شجاع	xii. قدرت و استقلال
xiii. نمایانگر قربانی بودن	xiv. مقاومت در برابر چالش‌ها	xv. آسیب‌پذیری

۴. نتیجه‌گیری

بررسی تطبیقی شاهنامه فردوسی و کوش‌نامه ایران‌شاه، دو منظومه‌ی سترگ اما از دو افق فکری و زمانی متفاوت، نشان می‌دهد که زن در ادبیات حماسی نه صرفاً موجودی حاشیه‌نشین، بلکه گاه نقطه‌ی آغاز و سر رشته بسیاری از وقایع بنیادین است؛ با این تفاوت که نحوه‌ی بازنمایی این جایگاه، تابعی از فضای فکری، ارزش‌دوری‌های فرهنگی و دغدغه‌های پنهان هر شاعر بوده است.

در شاهنامه، زنان با وجود کمی نقش، کیفیتی عمیق دارند. رودابه، تهمینه، فرانک، فرنگیس و دیگر چهره‌های زن، هر یک در مقطعی از تاریخ اسطوره‌ای ایران، حضوری مؤثر دارند. آنان با خرد، تدبیر، فداکاری و گاه حتی عصیان‌گری، مسیر تاریخ را دگرگون می‌سازند. نگاه فردوسی به زن، آمیخته‌ای از احترام، ستایش و درک جایگاه او در بنای اخلاق و تداوم نسل هاست. گرچه در شاهنامه نمی‌توان انتظار نگرشی مدرن به هویت زن داشت، اما حضور زنانی اندیشمند و آگاه در ساختار روایی اثر، نشان از نگرش متعادل فردوسی به نقش زن دارد.

در مقابل، کوش‌نامه، که در دوره‌ای متأخرتر و در فضایی متفاوت با شاهنامه پدید آمده است، زن را با چهره‌هایی گاه پر زرق و برق و نمادین‌تر به تصویر می‌کشد. زنان در کوش‌نامه از تنوع ظاهری بیشتری برخوردارند، اما در سطح شخصیت‌پردازی عمیق، به‌ندرت به پای زنان شاهنامه می‌رسند. گاه به صورت معشوق‌هایی مرموز، گاه فرشتگانی افسانه‌گون و گاه ابزارهایی برای گره‌گشایی از روایت اصلی پدیدار می‌شوند. بسیاری از زنان کوش‌نامه بیشتر از آن‌که شخصیت‌هایی مستقل باشند، تابع و تابلویی از خواسته‌ها و سیر حرکت قهرمان مرد هستند. این نکته، نشان می‌دهد که در کوش‌نامه، زن گرچه در صحنه داستان پررنگ‌تر شده، اما هویت او در بستری از افسانه‌پردازی و تخیل تلطیف شده است.

از دیگر نکات قابل تأمل، تأثیر فضای اجتماعی و نوع نگاه به قدرت و طبقه است. فردوسی، در روزگاری که ایران در ضمن بازسازی هویت ملی بود، زن را بخشی از این بازسازی می‌دانست. اما ایران‌شاه، که در روزگاری متأخرتر می‌زیست، زن را در دل دنیایی خیالی تصویر می‌کند؛ دنیایی که بیش از آن‌که دغدغه هویت‌سازی داشته باشد، دل مشغول زیبایی، شگفتی و سرگرمی است. از نظر زبانی نیز، تفاوت‌هایی چشمگیر به چشم می‌خورد. در شاهنامه، زبان زن گاه هم‌سنگ و گاه حتی فراتر از مردان است؛ زن سخن می‌گوید، استدلال می‌کند، پیش‌بینی می‌کند و تصمیم می‌گیرد. در حالی که در کوش‌نامه، گفتار زنان اغلب تابع زیبایی‌شناسی خیال‌پردازانه متن است و کمتر بار عقلانی یا اجتماعی دارد.

منابع

- ابن ابی الخیر، ایرانشاه (۱۳۷۷)، کوش نامه، به تصحیح جلال متینی، تهران: علمی.
- اکبری، منوچهر (۱۳۸۰)، شایست و ناشایست زنان در شاهنامه، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی تهران.
- بصاری، طلعت (۱۳۵۰)، زنان شاهنامه، تهران: انتشارات دانشسرای عالی.
- رنجبر، احمد (۱۳۷۹)، جاذبه های فکری فردوسی، تهران: امیر کبیر.
- عباسی، حجت و قبادی، حسینعلی (۱۳۸۹)، «مقایسه جایگاه زن در شاهنامه فردوسی با ایلیاد و اودیسه هومر»، فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی، س ۶ ش ۱۹.
- علی نقی، حسین (۱۳۹۰)، «تحلیل شخصیت و نقش زنان در داستان های شاهنامه»، فصلنامه علمی زن و فرهنگ، ش ۹، صص ۵۹-۸۱.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۶)، شاهنامه فردوسی، به کوشش جلال خالقی مطلق، چاپ سوم، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- نولدکه، تئودور (۱۳۸۴)، حماسه ملی ایرانیان، ترجمه بزرگ علوی، تهران: نگاه.
- یزدانی، زینب (۱۳۷۸)، زن در شعر فارسی، تهران: فردوس.